

شیفت‌پارادایم در سیاست خارجی چرا مطلوب است؟



امیرحسام اسحاقی

استاددانشگاه

شیفت‌پارادایمی (Paradigm Shift) که نخستین‌بار توسط توماس کوهن در کتاب ساختار انقلاب‌های علمی (۱۹۶۲) برای توصیف تغییر در مفروضات اساسی حکمرانی یک نظریه از علم ارائه شد، امروزه در بسیاری از حوزه‌ها به‌ویژه علوم سیاسی به‌عنوان استعاره‌ای برای یک تغییر اساسی در سیاست یا ایده‌های سیاسی در حال کنش به کار گرفته می‌شود. این شیفت تحت تأثیر کژکارکردهای پارادایم مسلط و بحران‌های سیاسی-اجتماعی و برای پاسخ به ابهامات پیچیده سیاست خارجی و روابط بین‌الملل ایجاد می‌شود. مفهومی که افق‌های تازه‌ای گشوده و بسیار مورد توجه سیاست‌مداران و کارگزاران، روزنامه‌نگاران و تحلیلگران رسانه‌های جمعی و اجتماعی، نخبگان و گروه‌های متخصص، سازمان‌ها و مراکز تحقیقاتی است.

سیر پارادایم سیاست خارجی، همواره تحت تأثیر رخدادها و روندهای اساسی آن در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی است. در شرایط حساس و پیچیده‌ای که امروز منطقه و جهان با آن مواجه شده، ایران بیش از همیشه نیازمند یک شیفت‌پارادایمی در عرصه سیاست خارجی با درگونی‌های جدی است. سیاست خارجی ایران پس از انقلاب، شاهد گونه‌ای از شیفت‌پارادایمی در حوزه‌های گوناگون از جمله ایدئولوژی، استراتژی و دیپلماسی بوده است. در پرتو این شیفت، نخبگان نوظهور با واسازی و شالوده‌شکنی پارادایم مسلط به صورت‌بندی اجماعی نوپدید در زمینه‌های گوناگون پرداختند و اصول حاکم بر مفاهیم کلیدی سیاست خارجی مانند باور ملی، امنیت ملی، اقتصاد ملی، منافع ملی و دیپلماسی بازتعریف و عمیقاً دستخوش درگونی شد و حتی بعضی خرده‌پارادایم‌ها (خرده‌گفتمان‌ها) با وجود تفاوت‌ها و اختلاف‌نظرها در درون این پارادایم معنی‌ساز و ساخت‌بندی شده است.

اساسا دیپلماسی به‌عنوان یک ابزار و روش، بر این است تا با منطق، تعامل و تبادل منافع از کشمکش‌ها جلوگیری کند. هدف دیپلماسی مانند سیاست خارجی، حمایت از منافع و امنیت ملی است که این مهم در هر صورت با ابزار صلح‌آمیز حاصل می‌شود. دیپلماسی، نه سیاست خارجی بلکه کارگزاری برای اجرای سیاست خارجی است. سیاست خارجی، جوهر روابط خارجی هر حاکمیت و مجموعه‌ای از کنش‌های معطوف به گفت‌وگو، مفاهیم و مصالحه در عرصه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی است. دیپلماسی می‌کوشد در چارچوب قواعد بنیادین حاکم بر روابط بین‌الملل، اهداف و منافع ملی خود را محقق کند. هرچند وجه ایدئولوژیکی دیپلماسی مانند هویت و معنا و عرصه استراتژیک آن یعنی امنیت، بقا، اقتصاد و رفاه اهمیت بسیار دارد، اما برای ایجاد ارتباط سازنده و مسالمت‌آمیز در نظام بین‌الملل، تلاش برای دستیابی به یک تفاهم واقع‌گرا و هم‌گرا بسیار حیاتی است. دیپلماسی که بتواند در چنین شرایط حساس و پیچیده منطقه‌ای و بین‌المللی با کاهش تعارضات گفتمانی و گذار از مواضع مذاکره به دنبال بازگشت نقش تاریخی ایران در عرصه روابط بین‌الملل و خروج از انزوای خسارت‌بار باشد، هرچند سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تحت تأثیر اصول و مبانی که از دهه‌های گذشته نسبت به غرب نهادینه شده، مسیر توسعه روابط دیپلماتیک با غرب به‌ویژه ازسریگیری رابطه با ایالات متحده را با چالش‌هایی مواجه کرده اما امروز به نظر می‌رسد با جهانی‌شدن اقتصاد و تحولات و تنش‌های سیاسی غیرقابل پیش‌بینی، جای تردیدی برای تلطیف اهداف راهبردی در سیاست خارجی و بسط بیش از پیش تعاملات بین‌المللی با شرق و غرب نیست. فقط با نگاه به شرق و گسترش روابط منطقه‌ای نمی‌توان کشور را از روابط با غرب بی‌نیاز کرد یا تنش با همسایگان را به صفر رساند! همه شرق و غرب و کشورهای منطقه مکمل یکدیگرند. عربستان سعودی علاوه بر ایالات متحده، با روسیه و چین روابط دوتو‌تو ایجاد کرده است. مکزیک، هم با ایالات متحده و هم با چین روابط استراتژیک دارد. ویتنام به‌صورت گسترده با چین، ایالات متحده و اتحادیه اروپا در رابطه است. هند هم در آسیا و هم در غرب اروپا و آمریکای شمالی، اهداف سیاسی و اقتصادی خود را دنبال می‌کند. اندونزی با برنامه‌ریزی درازمدت در روابط با غرب و شرق توازن ایجاد کرده است. اسامات متحده عربی به دیپلماسی انرژی با مسکو، خرید مساهم صنعت باطری‌سازی چین و کارخانه تولید تسلیحات برزیلی، سرمایه‌گذاری مالی در غرب اروپا و سلیکون‌ولی ایالات متحده متمرکز شده است.



شنبه ۳ آذر ۱۴۰۳
۲۱ جمادی‌الاول ۱۴۴۶
۲۳ نوامبر ۲۰۲۴
سال بیست‌ویکم
شماره ۴۹۸۲
۲۰ هزار تومان
صفحه ۱۲

روزنامه

علی لاریجانی اعلام کرد

آمدگی ایران برای توافق جدید هسته‌ای با ترامپ



در «شرق» امروز می‌خوانید: بیراوند؛ محبوب دیروز، مغضوب امروز • ۱۰ درصد جمعیت ایران گرفتار آتیسم است • شهریار حیدری در گفت‌وگو با «شرق»: پیوستن به FATF دشوار نیست

«شرق» از صدور قطع‌نامه ضدایرانی در شورای حکام و پاسخ تهران گزارش می‌دهد

تنش به وقت وین

گزارش تینریک در صفحه ۲ بتوانید



در سخت‌ترین روزهای سیاست خارجی، مسعود پزشکیان در اولین سفر استانی دولت چهاردهم گامی مهم در راستای سیاست داخلی برداشت

سیستان و بلوچستان در آغوش ایران

این گزارش را در صفحه ۳ بخوانید. عکس: پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست‌جمهوری

یادداشت

دستان پر از خالی



مهرداد احمدی شیخانی

مردی بسیار معروف که از نظر تاریخی و ایمانی برای ما شیعیان بسیار مهم است، اشاره می‌کند. در ماجرای «غدير خم» که برای ما شیعیان رخدادی مبنایی است و مذهب‌مان بر آن تکیه دارد، اهمیت ماجرا به گونه‌ای است که وقتی می‌خواهیم به ولایت امیر مؤمنان علی (ع) اشاره کنیم، اصل و اساس حقانیت تشیع را در همین رخداد می‌بینیم. اما مهم‌ترین بخش آنجاست که وقتی ماجرای غدير خم را روایت می‌کنیم، مهم‌ترین مستندات‌مان آن است که راویان اهل سنت نیز بر این رخداد صحه گذاشته‌اند. به عبارتی، نه تنها ما شیعیان به این رخداد باور داریم، بلکه اهل سنت هم تأکید دارند که غدير خم رخ داده و حضرت رسول (ص)، امیر مؤمنان علی (ع) را پس از خود، ولی مردم اعلام کرده است. و این یعنی ما شیعیان، غیر از آنکه خود روایتگر آن واقعه مهم تاریخی هستیم، طرف مقابل هم به آن رخداد باور دارد. حال بعد از آن چه پیش آمده، داستان دیگری است. خب فرض کنید برای ما شیعیان، تنها روایت موجود از واقعه غدير خم، فقط و فقط روایت خودمان بود و بس. در آن صورت برای اثبات حقانیت ولایت حضرت امیر، دست‌مان پُرتر بود یا خالی‌تر؟ حقیقت این است که در توضیح یک واقعه، اگر تنها روایت، روایت مدعی باشد، داستان می‌شود همان بیت حافظ که «شاه ترکان سخن مدعیان می‌شنود» و این یعنی تا وقتی نپذیریم که آن روایت میانی دوباره به صحنه بازگردد (به عبارتی همان رسانه‌های مستقل)، هرچه مدعی بگوید، فقط طرف مقابل را در جایگاه سیایش مستقتر می‌کند. این درست که ممکن است رسانه در بعضی اوقات روایت رسمی را نفی کند، ولی چون ناچار است که بین مردم معتبر باشد، چاره‌ای ندارد جز اینکه بی‌طرفانه و مستند به رخدادها بپردازد، والا این بار نه از سوی بخش رسمی، بلکه از سوی جامعه به فریب‌کاری متهم می‌شود.

یادداشت

قرار ملاقات با ترامپ



سید محمد‌هادی موسوی

هر قسمت به‌عنوان فردی قاطع و موفق به نمایش درآمد. این نیاز او به دیده‌شدن و برجسته‌بودن، بعدها به یکی از ویژگی‌های کلیدی دوران ریاست‌جمهوری‌اش تبدیل شد. ترامپ تشنه تیرهای بعدی است که او را به‌عنوان مردی یگانه و بی‌همتا معرفی کند؛ بزرگ‌ترین، بی‌سابقه‌ترین و همیشه برنده. این تمایلی به دیده‌شدن، اگرچه ممکن است در نگاه اول به عنوان نقطه‌ضعفی شخصیتی به نظر برسد، اما در مذاکرات به ابزاری قدرتمند برای طرف مقابل تبدیل می‌شود. اگر بتوانید توافقی طراحی کنید که او بتواند آن را به‌عنوان یک پیروزی بزرگ به نمایش بگذارد، ترامپ آماده امضاکردن است. هنر معامله: تهدید، فشار و در نهایت توافق

ترامپ در مذاکره سبک خاص خود را داشت؛ سبکی که بر اساس دو اصل ساده اما مؤثر شکل گرفته بود: ایجاد فشار اولیه و ارائه امتیازات تاکتیکی در پایان. این الگورا در تجربه مذاکرات باطراحی پیمان نفتا به‌خوبی می‌توان مشاهده کرد. ترامپ ابتدا با تهدید به خروج از نفتا و اعمال تعرفه‌های سنگین بر واردات فولاد و آلومینیوم، مکزیک و کانادا را به میز مذاکره کشاند. این تهدیدها فشار زیادی بر اقتصاد دو کشور وارد کرد، اما ترامپ هرگز قصد نداشت این تهدیدها را به طور کامل عملی کند. ترامپ ابتدا مکزیک را با الفاظی نظیر «دشمن اقتصادی» خطاب و دیوار مرزی را برجسته کرد. اما پس از مذاکره، این لحن تغییر کرد و مکزیک به‌عنوان شریک اصلی توافق USMCA معرفی شد. او با ارائه امتیازات جزئی در حوزه کشاورزی و خودروسازی، توافق جدیدی را با نام USMCA به سرانجام رساند. این توافق نه تنها بهتیبها قابل‌توجهی نسبت به نفتا نداشت، بلکه در برخی موارد امتیازات بیشتری به مکزیک و کانادا داد. اما مهم این بود که ترامپ توانست این توافق را به‌عنوان یک موفقیت تاریخی به مردم آمریکا معرفی کند.

NBC آمریکا در دهه ۲۰۰۰، زمانی که این شبکه به دنبال تولید برنامه‌ای برای نمایش قدرت و مهارت‌های تجاری بود، ترامپ را به‌عنوان مجری انتخاب کرد. مدیر شبکه NBC می‌گوید پس از مذاکرات اولیه با دونالد ترامپ، او ۱۳ شرط برای اجرای برنامه مشخص کرد که تحقق آنها غیرممکن بود با این حال او را به جلسه دعوت کرد. پس از جلسه، نه تنها ۱۳ شرط ترامپ کنار گذاشته شده بود، بلکه شرط شبکه نیز توسط او پذیرفته شد اما ترامپ، احساس موفقیت و پیروزی در مذاکره را می‌کرد. برنامه The Apprentice نه تنها ترامپ را به یک ستاره تلویزیونی تبدیل کرد، بلکه اصول تعامل با او را نیز روشن کرد. دونالد ترامپ، چهل‌وپنجمین رئیس‌جمهور ایالات متحده، سیاست‌مداری نبود که قواعد معمول را دنبال کند. او تاجر بود که میدان سیاست را به عرصه معامله‌گری بدل کرد. ترامپ، چه در برج‌های طلایی‌اش و چه در اتاق بیضی‌شکل، به دنبال فقط یک چیز بود: «بردن». این ویژگی او، چه برای دشمنانش و چه برای دوستانش، فرصتی بود که اگر درست درک می‌شد، می‌توانست به توافقی‌هایی بزرگ منجر شود. ترامپ شخصیتی پیچیده دارد؛ او عاشق دیده‌شدن است، به نمایش قدرت اهمیت می‌دهد و همواره می‌خواهد «اول» باشد. این ویژگی‌ها، زمانی که با مهارت‌های مذاکره‌ای خاص او ترکیب می‌شوند، از او فردی می‌سازند که تعامل با او نیازمند هنر و درایت است. در این یادداشت، به بررسی این ویژگی‌ها پرداخته و از تجارب مذاکره با ترامپ در دوران ریاست‌جمهوری، تلویزیون و تجارت برای تدوین راهکاری برای جلب رضایت او بهره می‌گیریم.

ترامپ، مردی که دیده‌شدن را می‌پسند
ترامپ، پیش از آنکه سیاست‌مدار باشد، یک برند بود. یکی از شروط اصلی ترامپ برای تولید برنامه در شبکه NBC، حفظ کنترل کامل بر تمامی جنبه‌های آن بود. او تأکید داشت که هیچ تصمیمی بدون تأیید او گرفته نشود و تصویرش در

برگزیده‌ها

یک صدایی استارتاپ‌ها برای پایان فیلترینگ

«شرق» از مراسم رونمایی کتاب رابطه پزشک و بیمار ترجمه فریاد بیدادبان‌نژاد گزارش می‌دهد

اخلاق پزشکی اصلی برای پزشکان

یادداشت

نظارت کنونی، ناسازگار با کرامت هنرمند ایرانی یادداشتی از محمدمهدی عسگریور

زورگیری، پوپولیسم و عدالت دوربینی یادداشتی از محسن برهانی

یادداشت

ترامپ، فهد و صدام



محسن‌هاشمی‌روستامی

پس از اعلام پیروزی دونالد ترامپ در انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا و بازگشت او به کاخ سفید در دو ماه آینده، واکنش‌ها و تحلیل‌های گوناگونی در داخل کشور شنیده می‌شود. برخی دوره آینده را همانند دوره گذشته ترامپ، بستری برای تشدید تحریم‌ها، تورورها و فشارها به نظام و مقاومت حداکثری می‌دانند و هم‌زمانی دوران مسئولیت مشترک ترامپ و نتانیاهو را تهدیدی جدی برای نظام محسوب می‌کنند، اما برخی دیگر که ترامپ را از نظر شخصیتی، تاجر مسلک و اهل معامله می‌شمارند، او را برای حل مسائل ایران و آمریکا مناسب‌تر از گزینه حزب دموکرات می‌دانند و به ترامپ به‌عنوان یک فرصت می‌نگرند. البته واقعیت این است که وضعیت ایران در دوره قبلی ترامپ با شرایط فعلی قابل مقایسه نیست. دولت روحانی با برجام و وضعیت ارزی و تجاری قابل قبول روبرویی را با ترامپ آغاز کرد و از رای ۲۳ میلیون نفری، یعنی حدود هفت میلیون رای بالاتر از رئیس‌جمهور فعلی برخوردار بود. کشورهای اروپایی، روسیه و چین نیز در حمایت از ایران در شورای امنیت سازمان ملل و آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای منسجم‌تر عمل می‌کردند و به همین علت اقدامات ترامپ علیه ایران با ناکامی اولیه مواجه شد و در نهایت به ترور جانورانده سردار سلیمانی منجر شد. ولی شرایط فعلی به نظر متفاوت جهانی منفعل عمل می‌کند و کرونا و ادامه تحریم‌ها موجب کاستن از ذخایر ارزی و طلای کشور و سقوط ارزش پول ملی به مرز ۷۰ هزار تومان در برابر یک دلار رسیده است، از سوی دیگر مشارکت در انتخابات نیز پایین آمده و در مرحله اول انتخابات کمتر از ۴۰ درصد و در مرحله دوم کمتر از ۵۰ درصد شرکت کردند و هم‌زمان معادلات بین‌المللی نیز به نفع ایران در جریان نیست. برخی از کشورهای اروپایی نظیر آلمان که ترمز آمریکا علیه ایران بوده، خود به مشوق برخورد با ایران تبدیل شده‌اند، روسیه نیز به خاطر جنگ اوکراین در سایر موضوعات جهانی منفعل عمل می‌کند و چین هم عملاً کشورهای متمول عربی را ترجیح داده و در موضوع جزایر سه‌گانه ایرانی، شاهد پالیس‌های مثبت به نفع آنها هستیم. به این شرایط وخامت وضعیت خاورمیانه و ترورشدن فرماندهان نیروهای مقاومت و حملات هوایی اسرائیل به ایران را نیز بیفزاید. شرایط دشواری است و ناخودآگاه ذهن را به سال‌های ۱۳۶۶ و ۱۳۶۷ و مقطع پایانی جنگ تحمیلی می‌برد.